

متن پرسش

سلام: حدیث «إِبَار» مستمسک روشنفکران دینی شده است تا به جدایی علم دین از علم آخرت برسند. چون حضرت به اصحابش فرموده‌اند شما به مصالح دنیا از من اعلمید! این حدیث در منابع اهل سنت آمده است ولی تأیید ابن عربی و ذکر آن در فصوص الحکم موجب شده علمای شیعی مثل علامه حسن زاده آن را قبول کنند! هرچند آیت الله جوادی از مضمون آن انتقاد کرده اند. توقع بود در شرح فصوص بیشتر این مسئله تبیین می شد. در این کتاب می خوانیم که ابن عربی برای نشان دادن انصار رسول الله چنین شاهی را آورده، شاید بتوان گفت لزوم نداشته رسول خدا در این امر به عنوان شخصی که به این امور مهارت دارد وارد شود هرچند اگر می‌خواستند به عنایت الهی می‌توانستند. همان طور که حضرت باقر (ع) در سن سالخوردگی در مجلس هشام بن عبد الملک تیرها را در فاق تیر قبلی زدند (ص ۵۷۱). یکی از نکات لازم در شرح کتاب این است که شبهات احتمالی هم دفع شوند. اما توضیح شما هم اجمالی است و هم مبهم. توضیح بفرمایید اولاً در یک نگرش تمدنی چطور رسول خدا از امور ضروری دنیای مردم فاصله گرفتند و ثانیاً چطور از حدیث امام باقر (ع) نتیجه گرفتید که پیامبر می توانست علم به دنیای مردم را کسب کند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی انسان در مقام واسطه‌ی فیض مستقر باشد، عموم مراتب پایین‌تر را می‌شناسد و امکان تصرف در آن امور را دارد، می‌ماند که چقدر لازم می‌داند در آن امور جزئی تصرف کند. مثل وقتی که حضرت شترشان گم شده بود و در این مورد علم خود را اعمال نکردند مگر وقتی که طعنه‌ی منافقین پیش آمد. در مورد حدیث «إِبَار» هم می‌توان گفت حضرت بنا را گذاشته بودند تا به طور طبیعی آنچه به نظرشان می‌رسد، مطرح کنند مثل وقتی که حضرت صادق «علیه‌السلام» به دنبال کنیز خود که پنهان شده بود، می‌گشتند. حال اگر از آن حدیث چنین برآید که نتوان توجیه فوق را بپذیریم، مسلّم با واسطه‌ی فیض‌بودن حضرت باید آن حدیث را ساختگی بدانیم. موفق باشید